

دال‌های خالی از مدلول و آنتاگونیسم پیش‌رونده در دولت اعتدال

گیتی پورزکی

هیأت علمی و استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

gpoorzaki@Gmail.com

چکیده

دولت اعتدال در فضای اجتماعی امیدوارانه‌ای ظهور یافت و در فضایی از ناامیدی و بی‌اعتمادی قدرت را واگذار کرد. ظهور دولت اعتدال از لحاظ گفتمانی وابسته به دال‌هایی همچون مذاکره، تدبیر، مصلحت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، عقلانیت، واقعیت و اعتدال بود که مدلول‌هایی خاص را نمایندگی می‌کرد و در ابتدا امید و انتظارات فراوانی نسبت به آن وجود داشت. با این اوصاف اقبال عمومی به مدت کوتاهی پس از روی کار آمدن کاهش یافت و در نهایت به پایین‌ترین سطح خود رسید. پرسش این است آیا جریان اعتدال در دولت حسن روحانی را می‌توان به مثابه یک گفتمان تلقی کرد؟ و خالی شدن دال‌های این گفتمان از مدلول‌های خود چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟ فرضیه آن است که چون دال‌های اصلی جریان اعتدال هر یک به دلیلی از مدلول‌های خود خالی شد، فرایند مفصل‌بندی گفتمانی تکمیل نشد و تثبیت گفتمانی صورت نپذیرفت؛ لذا جریان اعتدال را نمی‌توان گفتمان دانست. پیامد عدم تثبیت گفتمانی جریان اعتدال و به حاشیه‌رفتن گفتمان‌های میانه‌رو می‌تواند به افزایش شکاف میان مردم و حاکمیت انجامیده و با کاهش اعتماد و امید اجتماعی منجر به آنتاگونیسم پیش‌رونده شود. روش به‌کار رفته در این پژوهش روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است.

واژگان کلیدی: دولت اعتدال، آنتاگونیسم، دال، مدلول، گفتمان، موفه.

مقدمه

دولت اعتدال با برجسته‌سازی و مفصل‌بندی دال‌های مغفول در گفتمان‌های پیشین (دال اعتدال، عقلانیت، تدبیر واقع‌گرایی، مصلحت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، پرهیز از خشونت و...) توانست پس از یک دوره آنتاگونیسم پیش‌رونده در دوره قبل، امیدها و انتظارات زیادی برانگیزاند و در انتخابات سال ۱۳۹۲ پیروز و بر سپهر سیاسی کشور هژمون شود. حسن روحانی، رئیس دولت تدبیر و امید، کوشید با نزدیک‌شدن به گفتمان اصلاحات و در عین حال ایجاد برخی تمایزات گفتمانی با آن‌ها سبب رأی اصلاحات را از آن خود کند. در عین حال با ایجاد تشکیک و کمک به از جاکنندگی دالی از گفتمان‌های اصولگرایان و با طرح شعارهایی چون «نجات اقتصاد»، «تعامل سازنده و مؤثر با جهان»، «دیپلماسی»، «چرخیدن ساترئیفیوژها هم‌زمان با چرخ زندگی مردم» و برگزیدن نام «تدبیر و امید» برای دولت خود اقبال عمومی را جلب کند. روحانی کوشید در انتخاب وزرای کابینه نخست خود دال اعتدال را تجسم عینی ببخشد، به همین علت از افرادی که در سه دولت سازندگی، اصلاحات و اصول‌گرا حضور داشتند استفاده کرد. در همین راستا اسحاق جهانگیری را که در دولت هاشمی، استاندار و در دولت محمد خاتمی، وزیر بود و از اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود به‌عنوان معاون اول خود انتخاب کرد. در ضمن با انتخاب بیژن زنگنه و محمدرضا نعمت‌زاده نزدیکی خود را با گفتمان سازندگی نشان داد و در عین حال مصطفی پورمحمدی و علی اکبر صالحی را که در دولت احمدی‌نژاد وزیر بودند را به کابینه خود آورد. با انتخاب وزرا از جناح‌های متفاوت کوشید تا نوعی ایماژ فراجناحی یا اعتدالی را بازنمایی کند. اما برخلاف انتظار اصلاح‌طلبان، مدافعان حقوق زن و بسیاری از رأی‌دهندگان که به او رأی داده بودند، هیچ‌کدام از وزرای پیشنهادی او زن نبودند و حتی به‌صورت نمادین نیز به مجلس پیشنهاد نشدند؛ تنها ریاست سازمان حفاظت از محیط‌زیست، معاونت امور حقوقی، معاونت امور زنان و خانواده و معاونت اجرایی قانون اساسی را به زنان سپرد. ازاین‌رو می‌توان گفت جرقة اولین بحران‌های دالی و ترک‌های هژمونیک در جریان اعتدال را می‌توان به همان روزهای اولیه و عدم پاسخگویی او به انتظار میلیون‌ها زن ایرانی دانست که روحانی با مفصل‌بندی دال‌های آزادی، مشارکت و حقوق شهروندی، به پشتیبانی گفتمان اصلاحات آن‌ها را جذب کرده بود. علیرغم این ناتوانی توانست با برخی اقدامات نمادین از جمله سخنرانی با هدف

تش‌زدایی و مصالحه در مجمع عمومی سازمان ملل و نیز گفتگوی تلفنی با باراک اوباما دست به ترمیم و بازسازی گفتمانی زده و دال تعامل با جهان را برجسته‌سازی کرده و دال‌های گفتمانی خود را تا حدودی ترمیم سازد. این تماس اولین گفت‌وگوی دو مقام بلندپایه ایران و آمریکا بعد از قطع رابطه دو کشور در جریان اشغال سفارت آمریکا در تهران بود و کمک زیادی به تسهیل گفتگوها و روند مذاکرات پنج بعلاوه یک کرد (علی‌جانی، ۱۳۹۹/۸/۲۷). محمدجواد ظریف (وزیر امور خارجه دولت اعتدال) از همان ابتدای شروع به کار دولت، پرونده هسته‌ای را از شورای عالی امنیت به وزارت خارجه منتقل کرد تا کارها به دست دیپلمات‌ها سپرده شود. سه ماه بعد توافق موقت ژنو درباره برنامه هسته‌ای ایران امضا شد و در نهایت در سال ۱۳۹۳ تفاهم نهایی در لوزان سوئیس به دست آمد و برجام امضا شد و تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران برداشته شد؛ اما جریان تاریخ به نفع توافق پیش نرفت. به لحاظ عینی با تغییراتی که در ساحت بین‌الملل اتفاق افتاد، از جمله پیروزی ترامپ و انتخاب مشاوران وزیر خارجه‌ای که رسماً مواضع ضدجمهوری اسلامی ایران داشتند، تثبیت دوباره بنیامین نتانیاهو در سرزمین‌های اشغالی و قدرت گرفتن بن‌سلمان در عربستان، دستاوردهای دولت اعتدال در زمینه سیاست خارجی با بحران جدی مواجه شد و عملاً نه تنها ثمرات چندانی برای ایران به بار نیاورد، بلکه بدتر، تحریم‌ها شدت و حدت بیشتری یافت.

حال با توجه به این رویدادهای عینی، پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا دال‌های اصلی دولت اعتدال که منجر به پیروزی در انتخابات شده بود و در ماه‌های اولیه امید بسیاری را برانگیخته بود توانستند به مثابه دال‌های گفتمانی موجب تثبیت گفتمانی این جریان در سپهر سیاسی جامعه ایران شوند؟ این پرسش از این لحاظ مهم است که اگر جریان اعتدال یکی از خرده‌گفتمان‌های اصلی در میدان سیاسی جامعه ایران باشد آنگاه می‌توان پایداری دال‌ها و مدلول‌های آن را انتظار داشت؛ یعنی اگر اعتدال به مثابه گفتمان باشد، آنگاه می‌توان انتظار داشت که دال‌های گفتمان اعتدال به‌رغم از دست دادن هژمونی سیاسی و عملی همچنان به‌عنوان یک «گفتمان»، قابلیت حیات فکری - سیاسی و اثرگذاری را در تاریخ سیاسی حال و آینده داشته باشند. این درحالی است که اگر اعتدال یک گفتمان نباشد و تنها یک موضع‌گیری سیاسی یا نهایتاً تاکتیک یا روش پراگماتیک در مواجهه با مسائل اجتماعی باشد، آنگاه پس از به پایان رسیدن دوران ریاست‌جمهوری روحانی دیگر نمی‌توان انتظار

داشت که نیروهای اجتماعی حامل و حامی دال‌های آن باشند. پرسش فرعی این پژوهش که دنبال می‌کند آن است که از بین رفتن هژمونی دولت اعتدال چه پیامدها و لوازمی دارد؟ فرضیه و مدعای اصلی آن است که دال‌های گفتمانی دولت اعتدال از جمله دال تعامل، دیپلماسی، مذاکره، پرهیز از خشونت، عقلانیت، امید، اعتدال واقع‌گرایی عملاً از مدلول‌های خود خالی شده و با از جاکندگی دال‌ها، جریان اعتدال عملاً نتوانست در قامت یک گفتمان پایدار دوام آورد و در نهایت این عدم تثبیت گفتمانی منجر به آنتاگونیسم پیش‌رونده در سطح جامعه خواهد شد. روشی که در این مقاله استفاده شده است روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است.

۱. پیشینه پژوهش

از آنجا که هنوز مدت‌زمان چندانی از پایان دوره دولت اعتدال نگذشته است، بدیهی است که نسبت مقالات و کتب منتشره درباره آن پایین باشد. با این حال چندین منبع در این رابطه وجود دارد: مقاله «تبارشناسی هویت گفتمان اعتدال در زیست جهان فرهنگی ایران معاصر» به قلم نوروزی‌نژاد و مختاری نزدیک‌ترین منبع با مقاله حاضر است که به روش کیفی و با به‌کارگیری نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه نگاشته شده و نقش متغیر فرهنگی و دیالکتیک گفتمانی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله خرده گفتمان اعتدال را برآمده و منطبق با نیازهای فعلی جامعه ایرانی ارزیابی کرده است و نظام‌های معنایی آن را بخشی از فرهنگ و جهان فرهنگی جامعه ایران به شمار می‌آورد. نویسنده در این مقاله بر این نکته تأکید دارد که مرزهای گفتمانی این خرده گفتمان با گفتمان‌های دیگر کاملاً بارز است و قابل کاهش به هیچ‌کدام از گفتمان‌های دیگر نیست. تمایز این مقاله با پژوهش حاضر در دو نکته است: نخست در موضوع و حیطه بحث، از آن نظر که مقاله «تبارشناسی هویت گفتمان اعتدال در زیست جهان فرهنگی ایران» بیشتر بر موضوع فرهنگ تأکید دارد، در حالی که پژوهش حاضر بیشتر بر بُعد سیاسی و اندیشه سیاسی تمرکز دارد؛ دوم در نتیجه‌گیری با هم تفاوت دارند، از آن نظر که پژوهش حاضر اساساً گفتمان بودن جریان اعتدال را زیر سؤال می‌برد. بیشتر مقالاتی که به گفتمان اعتدال پرداخته‌اند این گفتمان را از منظر سیاست خارجی مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله مقاله «عوامل مؤثر بر گفتمان اعتدال در سیاست‌گذاری عمومی؛

مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر پیش‌نظریه جیمز روزنا» به قلم عبدالعلی قوام و حسین فریدون؛ چنان‌که از عنوان پیداست بر موفقیت در عرصه سیاست خارجه در این دوره تأکید دارد و نقش کارگزار سیاسی حسن روحانی را در این مسیر تعیین‌کننده می‌داند. تفاوت آن با مقاله حاضر در موضوع، نظریه و روش است.

مقاله دیگری که دولت اعتدال را با رویکرد گفتمانی مورد بررسی قرار داده است مقاله «تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی» به قلم فریدین قریشی و اقدم علیزاده است. این مقاله با احصای دال مرکزی دو گفتمان عدالت محور دوره محمود احمدی‌نژاد (دال مرکزی حمایت از توده فرودست) و گفتمان حاکم در دوره حسن روحانی (با دال مرکزی اعتدال و توسعه) به بررسی ابعاد عدالت در چهار بُعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌پردازد؛ اما اشاره‌ای به چگونگی و چرایی افول گفتمان اعتدال به‌طور خاص ندارد، امری که این پژوهش قصد بررسی آن را دارد.

۲. گفتمان به‌مثابه روش و نظریه

روش پژوهشی که برای پاسخ به پرسش پژوهش اتخاذ شده است، روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه خواهد بود که یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین روش‌ها و نظریات در حوزه علوم سیاسی است. نکته حائز اهمیت در روش تحلیل گفتمان این است که هم به‌عنوان روش و هم به‌عنوان نظریه از آن استفاده می‌شود.

روش تحلیل گفتمان در مقام روش، گفتمان‌های سیاسی با طیفی از مفاهیم مورد بحث را قرار می‌دهد: دال مرکزی، وقته‌ها، فضای گفتمان‌گونگی، مفصل‌بندی، هژمونی، غیریت و دیگری است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۳-۸۹). صرفاً به شکل بسیار خلاصه اشاره می‌شود که گفتمان در روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بسیار شبیه به گفتمان از منظر فوکو است. در این تعریف گفتمان‌ها، صورت‌بندی‌های دانایی پارادایم گونه و کلی هستند که صرفاً محدود به گفتارها و منابع زبانی گفتاری و نوشتاری نمی‌شوند؛ بلکه کلیتی هستند که امکان وجودی دانسته‌ها، سوره‌های گفتمانی، کردارها و گفتارها و سلاقی در درون آن تولید می‌شود. گفتمان‌ها در تمایز با سایر گفتمان‌ها هویت‌ها را شکل

می دهند.

هر **گفتمان** از نشانه‌ها یا دال‌هایی تشکیل می‌شوند. این نشانه‌ها یا دال‌ها نماینده معانی‌ای هستند که افراد آن گفتمان از آن نشانه می‌فهمند. گفتمان، کلیتی است که در آن هر دال به واسطه رابطه‌اش با سایر دال‌ها تثبیت می‌شود. دالی که سایر دال‌ها حول آن قرار می‌گیرند و نقطه ثقل انسجام بخش سایر دال‌هاست **دال مرکزی** نامیده می‌شود (Laclau and Mouffe, 2001:112).

عناصر وقته‌ها یا لحظه‌ها دال‌هایی هستند که درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به طور موقت و نسبی تثبیت شده‌اند (مقدمی، ۱۳۹۰، ۱۱۰).

تثبیت گفتمان از طریق طرد تمامی سایر معنایی که آن نشانه می‌توانست داشته باشد انجام می‌گیرد؛ یعنی طرد کلیه روابط احتمالی دیگری که ممکن است نشانه‌ها با یکدیگر داشته باشند. بدین ترتیب گفتمان عبارت است از تقلیل حالت‌های ممکن و تلاشی است برای ممانعت از لغزش نشانه‌ها از جایگاهشان نسبت به یکدیگر و در نتیجه خلق یک نظام واحد معنایی (یورگسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۷). گفتمانی که در تثبیت معانی دال‌ها موفق شود در واقع **هژمونی** یافته است. اگر افکار عمومی، معنایی را برای دال‌های یک گفتمان هر چند موقت بپذیرند در آن صورت آن گفتمان **هژمونیک** می‌شود (Laclau and Mouffe, 2001:7).

در همین راستا «تحلیل گفتمان» در حقیقت تحلیل معناست. تشکیل معنا بهترین سازوکار اعمال قدرت بر ذهن سوژه است. با بررسی سازوکارهایی که گفتمان‌ها برای **برجسته‌سازی** مدلول‌های خود و به **حاشیه رانی** مدلول‌های دیگر استفاده می‌کنند، می‌توان به تحلیل منسجمی از کلیه کارکردهای گفتمان‌ها رسید (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۶) در این نوع تحلیل متن یا **گفتار** واحد از سوی گفتمان‌های متفاوت معنای متفاوتی دارند؛ یعنی انسان‌های مختلف از متن واحد برداشت یکسان و واحدی ندارند. دالی متفاوت هم می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان استفاده شود (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۹).

۳. چهار چوب مفهومی

در این پژوهش کلیت سپهر سیاسی جمهوری اسلامی به مثابه یک فراگفتمان مدنظر قرار گرفته می‌شود و هر یک از جریان‌های سیاسی که دارای توانایی معنابخشی به دال‌های خالی و شناور باشند

و توان مفصل‌بندی دالی داشته باشند نیز در ذیل آن به مثابه گفتمان یا خرده‌گفتمان لحاظ شده است. در این مسیر از ابزارهای مفهومی روش گفتمانی لاکلا و موفه (دال، مدلول، مفصل‌بندی، غیریت، طرد و برجسته‌سازی) استفاده خواهد شد. براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه اگر افکار عمومی معانی دال‌هایی را که از سوی گفتمان یا جریان غالب ارائه می‌شود بديهي نپندارند و لذا نپذیرند، آنگاه آن گفتمان یا اصولاً تشکیل نخواهد شد و یا اینکه اگر از پیش تشکیل شده باشد با بحران مواجه خواهد شد و به تعبیری هژمونی خود را از دست خواهد داد. تثبیت گفتمان و لذا هژمونی آن تنها زمانی اتفاق خواهد افتاد که دال‌ها مدلول‌های معینی را نمایندگی کنند و از سوی طیف مؤثری از جامعه نیز این نمایندگی پذیرفته شده باشد (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۸۰-۷۳). برای پاسخ به پرسش مقاله - یعنی لوازم و استلزامات عدم تثبیت گفتمانی جریان اعتدال - از بخش دیگری از نظریه موفه استفاده خواهد شد. شانتال موفه در کتاب خود با عنوان درباره امر سیاسی از سه نوع رابطه یا مواجهه صحبت به میان می‌آورد: ۱. مواجهه پساسیاسی؛ ۲. مواجهه آنتاگونیستی؛ ۳. مواجهه آگونیستی. (موفه، ۱۳۹۱: ۶۶-۴۱).

به تعبیر موفه مواجهه پساسیاسی مواجهه‌ای است اساساً لیبرالیستی که مفهوم منازعه را از سیاست حذف می‌کند. حذف منازعه از قلمرو امر سیاسی جدا از اینکه غیرممکن است نامطلوب هم هست (موفه، ۱۳۹۱: ۵۴). عدم پذیرش این خصوصیت هستی‌شناسانه به انحصارگرایی، سرکوب و طرد مخالفین و اجماع و وحدت جعلی خواهد انجامید.

مواجهه آنتاگونیستی به مواجهه‌ای گفته می‌شود که رابطه میان خود و دیگری را رابطه‌ای خصمانه و از نوع حذفی بدانند. در این نوع مواجهه طرفین یکدیگر را دشمن/آن‌ها تلقی می‌کنند (Laclau & Moufée, 2001: 125). از نگاه موفه، باور به جامعه‌ای که آنتاگونیسم از آن رخت بسته باشد توهمی بیش نیست؛ اما به تعبیر موفه می‌باید این آنتاگونیسم افسارگسیخته را به شکلی مهار کرد و به شکل آگونیستی درآورد. در آگونیسم هنوز تضاد و منازعه وجود دارد؛ اما این منازعه‌ها خشونت‌بار نیست. وظیفه‌ی سیاست تبدیل آنتاگونیسم به آگونیسم است.

با این تفاسیر در این مقاله از نظریه موفه استفاده خواهد شد تا نشان دهیم پیامدهای عدم تثبیت گفتمانی جریان اعتدال به کدامیک از این مواجهه‌ها خواهد انجامید و چگونه می‌توان آن را با استفاده

از این ابزار مفهومی تبیین کرد. به نظر می‌رسد که با خالی شدن دال‌های گفتمانی جریان اعتدال از مدلول‌های خود از دو دال مرکزی اصلاح و اعتدال مشروعیت‌زدایی شده است و این دال‌ها قابلیت مفصل‌بندی خود را به خرده‌گفتمان‌ها از دست داده‌اند و به حوزه گفتمانی (حوزه گفتمان‌گونگی) سرریز پیدا کرده‌اند.

۱-۳. اعتدال: گفتمان یا روش

چنانچه در مقدمه مقاله عنوان شد پرسش اصلی این پژوهش در مورد این است که آیا جریان اعتدال را می‌توان گفتمان نامید یا خیر؟ این پرسش مناقشه‌برانگیز از روزهای نخست شکل‌گیری دولت تدبیر و امید ذهن متفکران و بازیگران سیاسی را به خود مشغول کرده بود. محمدرضا تاجیک مفاهیمی نظیر اعتدال را همچون هر مفهوم دیگری توأمان هم دال تهی و هم دال شناور شناسایی می‌کند و هم لبریز از معانی و غنای مفهومی که نمی‌توان منکر ربط وثیق و تنگاتنگ آن‌ها شد؛ اما باید پرسید کدام معنا از اعتدال؟ آیا دال اعتدال در دولت حسن روحانی را می‌توان یک گفتمان دانست؟ (تاجیک، ۱۳۹۳)؛ بنابراین پرسش این است که آیا جریان اعتدال همان اصلاح‌طلبانی هستند که برای گریز از تیغ ستیغ نظارت استصوابی تغییرنام داده‌اند و به نیابت از خود افرادی را نماینده کرده‌اند؟ آیا برعکس اعتدالیون اصولگرایانی امنیتی هستند که از گذشته خود فاصله گرفته‌اند؟ یا هیچ‌کدام از این‌ها نیست و «اعتدال» روشی است پراگماتیک در مواجهه با مسائل مناقشه‌برانگیز و بحران‌ها. به سخن دیگر آیا اعتدال یک گفتمان است یا روش؟

۱-۳-۱. اعتدال به‌مثابه روش: برخی متفکران حوزه سیاست، همچون غلامرضا کاشی، در افتتاحیه همایش «تبیین مفهوم اعتدال» در ۶ آبان ۱۳۹۲، بر این نظر بود که جریان اعتدال در دولت آقای روحانی گفتمان نیست، بلکه یک روش پراگماتیک است که ایجاد تنوعات گفتمان را به منزله یک فرصت می‌داند. کاشی در ادامه این سخنرانی که در ابتدای دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی ایراد شد، اظهار می‌دارد که: «کار دولت گفتمان‌سازی نیست؛ بلکه باید فضا و بستری را برای رشد و بالندگی گفتمان‌ها و امکان تضارب آن‌ها با یکدیگر فراهم کند. گفتمان‌سازی کار روشنفکران است و نه دولتمردان» (کاشی، ۱۳۹۲). دهقانی فیروزآبادی هم در همین راستا اعتدال را یک روش حکومت‌داری

دانسته و در یک تعریف کلی، اعتدال‌گرایی سیاسی را بیانگر مواضع، گرایش‌ها، رفتارها و کردارهایی می‌داند که با میانه‌روی، پرهیز از تغییرات ساختار شکنانه، عقل‌گرایی، مصلحت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، پرهیز از خشونت و مصالحه‌گرایی پیوند و همسویی دارد و عنصر و دال مرکزی آن، تعادل و توازن بین آرمان واقعیت و مصالح اسلامی و منافع ملی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱).

علی‌ریبی که خود از کارگزاران سیاسی دولت اعتدال بود نیز اعتدال‌خواهی را نوعی «عقلانیت روش‌شناختی» در مطالبه کردن برمی‌شمارد. به نظر وی اعتدال «شاید اندک‌اندک خواستن باشد؛ اما اندک خواستن نیست» (ریبی، ۱۳۹۲). با اینکه ریبی خود بر روش‌شناختی بودن این مفهوم در سپهر سیاسی جامعه ایران تأکید کرده است در ادامه به دنبال هژمونیک کردن گفتمان اعتدال از طریق ساختارسازی است:

ما بیش از هر چیز نیازمند حرکت به سوی ایجاد و نهادینه کردن سازمان‌هایی هستیم که در توفان زمانه و گردش‌های سیاسی از میان نروند؛ بنابراین اعتدال به همان اندازه که کنش معرفی است، کنشی سیاسی - اجتماعی نیز هست. شرایط تداوم هژمونیک گفتمان اعتدال به توازن برقرار کردن میان تعریف بر مبنای معرفت‌شناختی و مبنای سیاسی و جامعه‌شناختی این مفهوم بستگی دارد... اعتدال تلاش برای کنار هم آوردن توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و عدالت است (ریبی، ۱۳۹۲).

این گفتار نشان از این باور گوینده دارد که گویی یک گفتمان می‌تواند با دال‌هایی متفاوت و متمایز که گاه می‌تواند با هم ناسازگار باشد، تحت لوای اعتدال با موفقیت به هم مفصل‌بندی شود و کشکول‌وار تمامی دال‌های گفتمان‌های دیگر را شامل شود. گفتمانی که هم توسعه سیاسی هم اقتصادی را پوشش دهد و هم اینکه عدالت محور باشد؛ اما نکته اینجاست که توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و عدالت‌خواهی هر یک به گفتمان‌های متفاوتی تعلق دارد که در دوره‌های پیشین هژمونی قدرت را در دست داشتند (خواست ترکیب دال‌ها از گفتمان‌های متفاوت و متمایز در دوره احمدی‌نژاد نیز وجود داشت و سعی می‌شود دال‌های اصول‌گرایی با ناسیونالیسم ایرانی و لیبرالیسم غربی به شکلی سیاسی در کنار هم قرار گیرد. امری که در نهایت محکوم به شکست بود)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مرزهای گفتمانی رعایت نمی‌شود. عدم وجود مرز با دیگری نیز به بی‌هویتی

گفتمانی خواهد انجامید یا اصولاً شکل گرفتن گفتمان را با اما و اگر مواجه می‌سازد. در این نگاه، اعتدال روشی است که ایجاد تنوعات گفتمانی را به منزله یک فرصت می‌داند. همچنین وقتی که تنوعات و رقابت‌ها صورت خشونت‌آمیز به خود می‌گیرند، اعتدال موجب می‌شود که کنترل این خشونت‌ها شکل مشروعی داشته و فضایی فراهم می‌کند که تعارضات گفتمانی موجود در جامعه به جای نفی خشونت طلبانه یکدیگر، امکان تعامل مدنی با یکدیگر را بیابند. دال اعتدال تنها در صورتی که بر چنین مدلولی دلالت نماید دوام خواهد یافت؛ در واقع هرچه از دوره اولیه پیروزی دولت اعتدال گذشت بر تعداد افرادی که اعتدال را نه یک گفتمان بلکه یک روش تعریف می‌کردند افزوده شد.

۲-۱-۳. اعتدال به مثابه گفتمان: از سوی دیگر برخی دیگر اعتدال را به شکل پیشینی به مثابه گفتمان مراد می‌کنند و به آثار و لوازم آن به مثابه یک گفتمان می‌پردازند. برای مثال نوروزی نژاد گفتمان اعتدال را یک گفتمان پیوندی و دارای عناصر متفاوتی خواند. از این دیدگاه وجود دال مرکزی اعتدال در این گفتمان نشان از میانه‌روی در تمام عرصه‌های اجتماعی داشته و پرهیز از قطبی شدن جامعه را دنبال می‌کند. منظومه گفتمانی اعتدال، صورت‌بندی معنایی خاصی را ارائه داده است که ساختاری مستقل و منسجم دارد و حدود و ثغور رفتار کارگزاران فکری و ابزاری را تعیین می‌کند. گفتمان اعتدال قابل کاهش به گفتمان‌های دیگر نیست و نمی‌توان آن را ضمیمه‌ای از گفتمان‌های دیگر قلمداد کرد (نوروزی نژاد و تشنه دل، ۱۳۹۴: ۵۴).

محمد رضایی در مخالفت با نظرات کاشی گفتمان را به معنای بسیار وسیع کلمه مراد می‌کند و بر این نظر است که هیچ واقعیت غیرگفتمانی وجود ندارد و لذا دال اعتدال صرفاً در درون یک گفتمان قابل شناسایی و تعریف است (رضایی، ۱۳۹۲: <https://basirat.ir/fa/news/261728>). به عقیده ایشان اعتدال در معنای حد وسط یا میانه نمی‌تواند دال محکمی برای ایجاد جبهه‌ای تازه در حیات سیاسی کشور باشد؛ چرا که درک میانه‌گرایانه از اعتدال به ضد خود تبدیل می‌شود. تعارضات و تخاصمات ویژگی وجودشناختی همیشگی مناسبات میان گروه‌های رقیب با یکدیگر از یک سو گروه‌ها و مردم با نظام سیاسی از سوی دیگر است. در چنین شرایطی، مشکل اصلی برداشت‌های میانه‌گرا، تکیه بیش از حد بر توافق عقلانی است. از سوی دیگر، اعتدال به معنای کوشش برای

منحل‌سازی این شکاف‌ها مقرون به نتیجه نیست. به تعبیر رضایی این مشخصاً تجربه جامعه ایران است که در آن کوشش‌ها برای یکسان‌سازی همگن‌ساز به تشدید شکاف‌ها و هویت‌های پراکنده منجر شده است. راه برون‌رفت، پذیرش این شکاف‌ها و به رسمیت‌شناختن عقلانیت‌های متکثر به جای توافق عقلانی است. به بیان دیگر اعتدال به معنای تأمین و تضمین شرایط اولیه برای به رسمیت‌شناختن تعارضات و کشمکش‌های موجود می‌تواند جبهه تازه‌ای را در اداره امور کشور بگشاید که به معنای دقیق کلمه جبهه‌ای از نوع پسااصلاح‌طلبی و پسااصول‌گرایی است.

همچنین علیرضا رحیمی نیز بر این تصریح دارد که گفتمان دولت یازدهم، بر محور دال برتر «اعتدال» سامان‌یافته و دقیقه‌های این گفتمان را رویکرد تعاملی با جهان خارج، الگوی هم‌کنشی اعتدالی در داخل، الگوی ایرانی-اسلامی توسعه، الگوی غیرامنیتی کرانمند در حوزه اجتماعی، مهندسی غیرمکانیکی فرهنگی، رویکرد تلفیقی-بومی-اقتصادی به امنیت ملی با گرایش نرم‌افزاری، الگوسازی ترویجی از جمهوری اسلامی و رویکرد فرهنگی در مقابله با امپریالیسم معرفی می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۸: ۳۳).

حسین سلیمی، دبیر علمی همایش ملی تبیین اعتدال در سال ۱۳۹۲ بر این نظر است که اعتدال به مثابه یک دال نوین وارد گفتارها و رقابت‌های سیاسی شده است. دالی که در سیلان اندیشه‌ها و گفتارهای مختلف جامعه ایرانی معانی مختلف و متفاوتی به خود می‌گیرد. در این میان چهار مدلول از اعتدال حداقل به سال ۱۳۹۲ یافته است:

۱. اعتدال به معنای میانه‌روی و گریز از اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی؛
۲. اعتدال به معنای اصول‌گرایی معتدل؛
۳. اعتدال به معنای اصلاح‌طلبی محافظه‌کار؛
۴. اعتدال به معنای رویکرد عقلایی ضدافراط.

گروه‌های رقیب سیاسی در سپهر سیاسی ایران تلاش کرده‌اند که این واژه و نیز جریان سیاسی، اجتماعی برآمده از آن را در یکی از قالب‌های مذکور قرار دهند و به خود مفصل‌بندی کنند؛ اما به نظر می‌رسد که این مفهوم دارای نقاط و مفاهیم مرکزی و در عین حال مفاهیم متضاد است که به تدریج می‌تواند آغازگر گفتاری جدید در فرهنگ سیاسی ایران باشد. وقته‌هایی چون عقل‌گرایی، واقع‌گرایی،

تحول‌طلبی و توسعه‌طلبی در کانون این واژه و مفاهیمی چون خشونت‌گرایی، بنیادگرایی، افراطی‌گری و نفی دستاوردهای تمدن جدید دگرگفتمانی، این گفتمان را شکل می‌دهند و از این گفتمان طردشده و به حاشیه رانده می‌شوند. به این شکل، این واژه قرابت نزدیکی به مفهوم فضیلت حد وسط که در تاریخ اندیشه سیاسی و از اندیشه ارسطو گرفته شد و در اندیشه اسلامی هم مطرح شده پیدا می‌کند. به باور حسین سلیمی مفهوم حد وسط و اعتدال به وسیله فیلسوفان مسلمان وارد واژگان اسلامی شد و به دلیل آن‌که مفهوم معادل آن در اندیشه دینی وجود داشت به حلقه وصل علوم و تفکرات یونانی و اندیشه دینی بدل شد و زمینه پیوند این دو جریان تمدنی و خیز بلند تمدن اسلامی را فراهم آورد. از این رو چنانچه در شرایط نوبت تحول جهانی اعتدال بتواند همان کارکرد مفهوم فضیلت حد وسط را در تاریخ تمدن اسلامی بیابد و موجب پیوند میان تمدن اسلامی و فرایندهای جهانی شود، می‌توان انتظار داشت که همان کارکرد تاریخی را ایفا نماید (سلیمی، ۱۳۹۲/۸/۶).

در همین راستا علی‌عظیمی نیز برای جریان اعتدال شأن گفتمانی قائل است و عنوان می‌درد که گفتمان اعتدال با مفصل‌بندی و معنادهی به نشانه‌های مغفول‌مانده گفتمان پیشین (اصولگرایی رادیکال یا همان گفتمان عدالت‌خواه) به واسطه جداسدگی (بی‌قراری) و به حاشیه‌رانی گفتمان هژمون (گفتمان اصول‌گرایی رادیکال) توانست در انتخابات سال ۱۳۹۲ بر پهنه سیاسی ایران مسلط شود. مقولات اجتماعی به مثابه سوژه‌ها در قالب هویت‌های فردی یا اجتماعی می‌توانند گفتمان مسلط را دچار بی‌قراری و ازجاکنندگی کنند. مقولاتی چون طبقه اجتماعی، جنسیت، گروه‌های ذی‌نفع و امثال آن‌ها (عظیمی، ۱۳۹۸: ۵۳)؛ بنابراین شاهدیم که بسیاری از متفکران حداقل پیش از سال‌های آخر دولت روحانی بر گفتمان بودن جریان اعتدال تأکید داشتند؛ اما اکنون پس از به پایان رسیدن این دولت شاید زمان بهتری برای ارزیابی این پرسش است.

۲-۳. بحران و ازجاکنندگی دالی و مدلولی در جریان اعتدال

جریان اعتدال در ابتدای نضج و شکل‌گیری و سپس پیروزی انتخاباتی خود با مفصل‌بندی دال‌هایی که بعضاً مدلول آن‌ها از پیش موجود بود و یا با مفصل‌بندی مدلول‌های جدید به آن‌ها امکان بالقوه‌ای برای تبدیل شدن به یک گفتمان را داشت.

جریان اعتدال با این شعار و دال اصلی وارد میدان شد که با «گفتگو»، «واقع‌گرایی»، «عقل»، «تدبیر»، «دوری از شعارزدگی و افراط‌گرایی»، «تعامل با جهان» و «چرخیدن چرخ اقتصاد همراه با چرخ سانتریفیوژها» می‌توان مسائل و تنش‌های بین‌المللی را از ساحت سیاست خارجی دور کرد و بدین‌وسیله تحریم‌های ظالمانه‌ای که وضع شده بود را از میان برداشت و رشد و توسعه پایدار را به جامعه ایرانی تقدیم کرد؛ اما این دال‌ها که به‌نظر می‌رسید با موفقیت در حال مفصل‌بندی به یک گفتمان نوظهور است خیلی زود با بحران و بی‌قراری مواجه شدند:

۳-۲-۱. از جاکندگی دال «تعامل سازنده و مؤثر با جهان» با تشدید تحریم‌ها: دولت روحانی در شرایطی سکان اداره کشور را به دست گرفت که وضعیت اقتصادی ایران به‌خاطر اعمال و تشدید تحریم‌های بین‌المللی به بهانه‌ی مقابله با برنامه‌ی هسته‌ای ایران در وضعیت رکود و بی‌ثباتی قرار داشت. رشد اقتصادی تا سطح حدود منفی ۶ درصد سقوط کرده بود؛ لذا دولت جدید هدف خود را نجات اقتصاد کشور از بحران و تعامل سازنده با جهان به‌منظور تأمین منافع متقابل با اقتصاد جهانی از طریق غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، عادی‌سازی روابط و بهبود روابط با کشورهای غیر متخاصم، حذف تحریم‌های ظالمانه عنوان کرد (ظریف، ۱۳۹۲: ۳۴). این مهم در مذاکرات برجام پیگیری شد و به سرانجام اولیه نیز رسید و جوی از امید و انگیزه در بخش بزرگی از جامعه ایرانی برانگیخته شد؛ لذا تعامل سازنده و مؤثر با دنیا به‌عنوان محور اصلی سیاست خارجی دولت روحانی و بر همان مبنا سیاست‌گذاری‌های داخلی نیز تعیین گردید. بر این اساس می‌توان سه آبراولویت را برای دیپلماسی اقتصادی دولت اول روحانی در نظر گرفت: نخست، حل و فصل موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌های هسته‌ای به‌منظور ایجاد فضای آرام و به دور از تنش برای پیشبرد اهداف توسعه؛ دوم، پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی و بهبود معیشت مردم و سوم؛ محوریت یافتن نقش وزارت امور خارجه در زمینه پیشبرد اهداف دیپلماسی اقتصادی (بشیری، ۱۳۹۳: ۶۹). برای دوره دوم نیز علاوه بر تداوم اولویت‌های گذشته دو آبراولویت شامل: حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و تقویت روابط با همسایگان و بهبود وضعیت معیشت مردم در نظر گرفته شد (ظریف، ۱۳۹۵). حسن روحانی و تیم سیاست خارجی اولاً لازمه حل بحران هسته‌ای را در ایجاد تغییر در درک طرف‌های مقابل از هویت ساخته‌شده ایران می‌دانست و بر این باور بودند که زمینه این تغییر با تحول و بازاندیشی در

انگاره‌ها، هنجارها و معانی به وجود می‌آید و معتقد بودند ایران به سازگاری نسبی بین المللی و جامعه بین المللی نیز به تجدیدنظر در رابطه خود با جمهوری اسلامی نیازمند است. مهم ترین دستاورد این دو تغییر، تبدیل پرونده هسته‌ای به موضوعی غیرامنیتی بود (محمدزاده، ۱۴۰۱: ۱۶۷). در سطح داخلی سعی شد بُعد هویتی و ایدئولوژیکی انرژی هسته‌ای کاسته شود و در بُعد خارجی نیز تلاش شد با استفاده از تاکتیک‌های گفتاری و رفتاری درک نظام بین الملل از برنامه هسته‌ای ایران تصحیح شود. بزرگ‌ترین دستاورد عینی این امر خروج ایران از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل بود. بعد از توافق برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی، اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵ با رشد ۱۳ درصدی مواجه شد که در چند دهه گذشته بعد از رشدهای بالای اقتصادی پس از جنگ بی سابقه بوده است. روحانی اعلام کرد:

ما آمدم و گفتیم ایران هراسی دروغ است، قطعنامه‌های سازمان ملل ظلم به ملت و کشور ماست. این قطعنامه‌ها غیرقانونی است و حتی برخلاف منشور سازمان ملل است. ما آمدم و ثابت کردیم ایران تهدید نیست... و آنگاه توانستیم تورم را قدم به قدم پایین بیاوریم. سال ۱۳۹۲ تورم از ۴۵ درصد به ۳۵ درصد رسید یا نه؟ کاهش پیدا کرد. در سال ۱۳۹۳ از ۳۵ درصد به ۱۵ درصد رسید؛ و تلاش می‌کنیم تا سال ۱۳۹۶ تورم را تک‌رقمی کنیم» (روحانی ۱۳۹۶: ۹۳).

بنابراین به نظر می‌رسید که دال‌های تعامل، ثبات و رشد می‌تواند تبدیل به دال‌ها و مدلول‌های تثبیت شده گفتمان در حال ظهور شوند. اما پس از این سال روند نزولی رشد آغاز شد و اقتصاد ایران در سال بعد آن تنها حدود ۳/۷ درصد رشد داشت. در همین سال اقتصاد ایران بالاترین حجم حقیقی تاریخ خود را در رقم ۶۹۲ هزار میلیارد تومان تجربه کرد. اگرچه پس از سال ۹۵ رشد اقتصادی نزولی شد، اما کماکان در سال ۹۶ مثبت بود. رشد اقتصاد ایران در سال ۹۷ منفی شد و این روند ادامه پیدا کرد تا جایی که در سال ۹۸ حجم اقتصاد ایران به گزارش صندوق بین‌المللی پول ۹ درصد کوچک شد. البته رشد اقتصادی سال ۹۸ بنا به منابع مختلف از منفی ۶ تا منفی ۹ درصد، متغیر است و سرانجام سال ۹۸ و ۹۹ سخت‌ترین سال تاریخ ایران در ۶۰ سال گذشته دانسته شد. در واقع با پیروزی ترامپ به تدریج سخت‌ترین و ظالمانه‌ترین تحریم‌ها بر پیکر نحیف اقتصاد

ایرانی وارد شد، به شکلی که تورم از سویی و نرخ ارز از سوی دیگر رکوردهای روزانه را پشت سر می‌گذاشتند. سطح معیشت تمامی اقشار به ناگاه در عرض ۲ تا ۳ سال به نصف کاهش پیدا کرد و بسیاری از اقلام غذایی، فرهنگی و تفریحی از سبد خانوار ایرانی حذف شد. در واقع تشدید تحریم‌ها درست نقطه مقابل دال تعامل سازنده با جهان قرار گرفت و آن را از مدلول خالی کرد.

تحریم اقتصادی با منزوی کردن اقتصادی و محاصره اقتصادی قرابت نزدیکی دارد. تحریم اقتصادی در شرایط اقتصادی مختلف اثر یگانه و یکسانی ندارد. اثرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی تحریم اقتصادی مرکب و پیچیده است. به نظر می‌رسد تحریم‌ها بر بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و بازرگانی و شاخص‌های رشد اقتصادی کشور تأثیر منفی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی شده است (موهبتی، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۲). وانگهی وجود و مهم‌تر از آن تشدید تحریم‌ها در این دوره علاوه بر اثرات واقعی که بر بخش‌های متفاوت اقتصادی و عینی جامعه ایرانی گذاشت به لحاظ روانی نیز دال تعامل سازنده با جهان را با بی‌معنایی مواجه ساخت.

از سوی دیگر بن‌سلمان شاهزاده عربستانی که موضعی صراحتاً ضدایرانی داشت با تشدید بیماری ملک سلمان قدرت بیشتری پیدا کرد و با ایجاد ارتباط نزدیک‌تر با ترامپ و (البته تیم ضد ایرانی وزارت خارجه او به‌علاوه جرد کوشتر، داماد ترامپ که به دنبال عادی‌سازی روابط میان اعراب و اسرائیل بود) و بنیامین نتانیاهو به جد به دنبال تشدید بحران و انزوای ایران بود؛ لذا دال تعامل سازنده روحانی و ظریف با مشکلات جدی مواجه و عملاً با بن‌بست مواجه شده بود؛ در واقع نه تنها دال تعامل سازنده با جهان و همسایگان مابه‌ازای خارجی پیدا نکرد، بلکه برعکس ترامپ و بن‌سلمان و در عربستان با برپایی رقص شمشیر عملاً قصد خود را برای فشار و به حاشیه راندن ایران به نمایش می‌گذاشتند؛ بنابراین به نظر می‌رسد دال «تعامل سازنده و مؤثر با جهان» نه تنها به چرخیدن چرخ زندگی و اقتصاد کشور منتهی نشد، بلکه وضعیت بیش از پیش رو به وخامت می‌گذاشت. ترامپ بر سریر قدرت نشست و نه تنها تحریم‌های پیشین با شدت و حدت بیشتری بازگشت، بلکه تحریم‌های سخت‌گیرانه‌تر بیشتری نیز وضع شد. به همین دلیل دال تعامل سازنده با جهان و چرخیدن چرخ اقتصاد و زندگی مردم که از جمله دال‌های مهم و اصلی اعتدال به شمار می‌رفت با پیروزی ترامپ و بازگشت تحریم‌ها به بی‌قراری‌های شدیدی مواجه و در معرض ازجاکنندگی قرار گرفت.

۲-۲-۳. از جانکنندگی دال «امید» و نماد «کلید»، با افزایش فقر و بیکاری: در این فضای تنش آلود، کلیدواژه‌های انتخاباتی حسن روحانی - کلید و امید - نه تنها خاصیت استعاری خود را از دست داد؛ بلکه دستمایه طنزهای تلخ شد. روحانی از واژه «کلید» به شکل استعاری برای بازنمایی مدلول‌های تدبیر و عقلانیت استفاده می‌کرد. در ابتدا با ایجاد غیریت مفهومی با سایر گفتمان‌ها به نظر می‌رسید که می‌تواند نقش خود را ایفا کند؛ اما با افزایش تنش‌ها، تشدید تحریم‌ها، گسترش فقر و بی‌ثباتی‌های اجتماعی و اقتصادی این مفاهیم خاصیت استعاری خود را از دست دادند. اگر امید و امنیت روانی را یکی از شاخص‌های شادکامی بدانیم، با رجوع به آمارهای شادکامی و رتبه‌بندی کشور در سال‌های متفاوت می‌توانیم به درکی از چگونگی احساس روانی جامعه در دوره اعتدال دست یابیم. با رجوع به این آمارها در می‌یابیم که در سال ۱۳۹۴ که در واقع اوایل دولت اعتدال محسوب می‌شود و برجام به تازگی به تصویب رسیده است و تحریم‌ها تا حدودی برداشته شده است، میزان امید و شادکامی کشور نسبت به سال‌های پیش و پس از آن بهبود نسبی نشان می‌دهد. برای نشان دادن این موضوع می‌توان به آماری که موسسه گالوپ در این زمینه منتشر کرده است مراجعه کرد (شیرعلی، ۱۴۰۰: ۳۴).

نمره شادکامی ایران در سال‌های مختلف

| رتبه جهانی از ۱۵۳ کشور | نمره شادکامی (۰ تا ۱۰) | سال |
|------------------------|------------------------|------|
| ۱۱۸ | ۶۷۲/۴ | ۲۰۲۰ |
| ۱۱۷ | ۵۴۸/۴ | ۲۰۱۹ |
| ۱۰۶ | ۷۰۷/۴ | ۲۰۱۸ |
| ۱۰۸ | ۶۹۲/۴ | ۲۰۱۷ |
| ۱۰۵ | ۸۱۳/۴ | ۲۰۱۶ |
| ۱۱۰ | ۶۸۶/۴ | ۲۰۱۵ |
| ۱۱۵ | ۶۴۳/۴ | ۲۰۱۳ |

شاهد آن هستیم که درست در سالی که به واسطه برجام برخی گشایش‌ها در تحریم‌های بین‌المللی رخ داده است شاخص شادکامی (که امید فردی و اجتماعی از جمله مؤلفه‌های آن است) نسبت به سال‌های پیش و پس از آن نمره بهتری را نشان می‌دهد. این آمار را می‌توان در کنار آماری گذاشت

که موسسه گالوپ در مورد میزان خشم و عصبانیت مردم جهان در سال ۲۰۱۷ منتشر کرده است. در این سال مردم ایران به‌عنوان یکی از خشمگین‌ترین و پراسترس‌ترین جوامع شناسایی شده‌اند (سایت خبری تحلیلی الف، ۱۳۹۶). همین آمار نشان می‌دهد که مدلول «امید» که ارتباط تنگاتنگی با متغیر شادکامی دارد واژه «کلید» که از جمله واژه‌های استعاری گفتمان نوظهور می‌توانست باشد چگونه در طول دوره اعتدال از مدلول خود خالی شدند.

پ-۲-۳. از جاکندگی دال‌های «اعتدال» و «دوری از تدروی و افراط‌گرایی» در برخورد با اعتراضات خیابانی: چنانچه گفته شد دولت اعتدال در ابتدا با شعار پرهیز از تدروی، انعطاف‌پذیری، گسترش دایره خودی‌ها در داخل و تنش‌زدایی و تعامل با جهان در خارج به قدرت رسیده بود؛ اما در عمل و خواسته یا ناخواسته دولت مجبور شد که در داخل و خارج دست به شدت عمل بزند.

در سطح خارجی چنانچه گفتیم حسن روحانی که قصد داشت دال «تعامل سازنده» را در غیریت با «استکبارستیزی»، دال‌های گفتگو عقلانیت را در غیریت با دال‌های «مبارزه» و «میدان» و دال «دیپلماسی و مذاکره» را در غیریت با «مقابله و سیاست عدم مذاکره» به گفتمان خود مفصل‌بندی کند، اکنون در سطح خارجی با شرایطی مواجه بود که عملاً این مفصل‌بندی با موفقیت مواجه نشد. سطح تنش با آمریکا به نقطه اوج خود رسیده بود، سپاه در لیست تروریستی آمریکا قرار گرفت و تحریم شد و در نهایت سردار حاج قاسم سلیمانی ترور شد. ایران نیز در مقابل، پایگاه آمریکایی در عراق را مورد هدف قرار داد؛ بنابراین دال گفتگو تعامل با دنیا نیز با بحران جدی و غیرقابل انکار رسیده بود.

در سطح داخلی نیز رشد بیکاری، تورم، افزایش هزینه‌های زندگی و از دست رفتن امید پرشور طبقات اجتماعی، موجب اعتراضات، اعتصابات و حتی اغتشاشات و شورش‌های داخلی پیاپی در شهرهای مختلف شد.

در دی‌ماه ۹۸ مجموعه اعتراضاتی رهبری نشده در اعتراض به سیاست‌های حسن روحانی با محوریت خواست‌های اقتصادی از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان رخ داد. در آبان ۹۸ در پی سهمیه‌بندی سوخت و افزایش قیمت بنزین اعتراضات گسترده در شهرهای مختلف ایران

شروع شد. سطح این شورش‌ها به حدی رسید که حسن روحانی - که در ابتدا می‌کوشید دال‌های انعطاف‌پذیری، پرهیز از خشونت، آزادی بیان، حق اعتراض، حق مخالف و تساهل و تسامح را نیز از گفتمان اصلاحات به گفتمان خود مفصل‌بندی کند - مجبور به شدت عمل شود و این شدت عمل منجر به کشته‌شدن تعدادی از افراد گناهکار و بی‌گناه شد. همین شدت عمل با دال مرکزی «اعتدال» و دقایق پیرامونی آن در غیریت قرار دارد و لذا مدلول اعتدال را با بحران مواجه می‌کند. با تکرار این دست اتفاقات دال «اعتدال» هژمونی و مشروعیت خود را از دست داده، دچار بی‌قراری و در نهایت ازجاکنندگی شد.

۳-۳. مفصل‌بندی ناتمام و عدم تثبیت گفتمان

درواقع پس از یک دوره حداکثر دو یا سه‌ساله شاهد آن بودیم که به‌واسطه رویدادهایی که در صحنه روابط خارجی و نیز داخلی رخ داد (پیروزی ترامپ در ایالات متحده و تشدید تحریم‌ها، انزوای ایران، تورم، افزایش فقر و نارضایتی در داخل، شورش‌ها و سرکوب شورش‌ها) بسیاری از دال‌ها و مفاهیمی که این جریان بر آن تأکید داشت و بر آن بود که با مفصل‌بندی گفتمانی بتواند آن‌ها را بازتعریف نماید دچار بی‌قراری و چه‌بسا ازجاکنندگی شدند.

هنگامی که کردارها و عملکردهای گفتمانی نتواند هم‌راستا با دال‌های زبانی قرار گیرد و به سخن دیگر حرف و عمل نتوانند هم‌راستا باشند و این ناهم‌راستایی از سوی جامعه احساس شود، درواقع گفتمان نتوانسته است عمل مفصل‌بندی را با موفقیت انجام دهد و هژمونی شکل نگرفته است؛ لذا دال‌ها از مدلول خود تهی می‌شوند و گفتمان یا شکل نمی‌گیرد یا دچار افول و از دست دادن هژمونی خود می‌شود. مشروعیت دال‌های گفتمانی که زیر علامت سؤال برود بحران گفتمانی شکل خواهد گرفت و چه‌بسا به ازجاکنندگی دالی بیانجامد. شدت و مدت این ازجاکنندگی دالی از سویی و بحران مشروعیت دال‌های مرکزی گفتمان از سوی دیگر می‌تواند کل گفتمان را با بحران جدی مواجه سازد. امری که برای گفتمان اعتدال رخ داد و موجب آن شده است که امروزه کمتر بتوان برای آن شأن گفتمانی قائل شد؛ زیرا بسیاری از نیروهای اجتماعی، ساختارها و هژمونی دالی و مدلولی خود را به‌واسطه مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی از دست داد.

۴. آنتاگونیسم، پیامدهای عینی و ذهنی از جاکنندگی‌های مدلولی در دوره اعتدال

این بحران و از جاکنندگی موجب تبعاتی در سطح جامعه شد که می‌توانیم آن‌ها را به دو دسته پیامدهای عینی و ذهنی تقسیم کنیم:

۱-۴. پیامدهای عینی: تأثیر روزافزون تحریم‌هایی که در دولت ترامپ به شکل روزانه و هفتگی حیطه‌های متفاوتی را در بر می‌گرفت، موجب فشارهای فزاینده بر تمامی اقشار به‌ویژه اقشار پایین دست و فقیرتر جامعه شد. این فشار چنان‌که پیشتر نیز به آن اشاره کردیم منجر به بروز اعتراضات، اعتصابات و به تدریج اعتراضات و اغتشاشات خیابانی شد. نقطه اوج این تنش‌ها که به کف خیابان بسیاری از شهرهای ایران کشیده شده در دو مقطع دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ رخ داده است.

اعتراضات ابتدا منشأ اقتصادی داشت. اعتراض دی‌ماه ۱۳۹۶ از مشهد آغاز شد. فراخوان شرکت در این تظاهرات که در آغاز نه به گرانی و اعتراض به سیاست‌های دولت حسن روحانی نامیده می‌شد در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت و در آبان ۱۳۹۸ نیز پس از سهمیه‌بندی بنزین و گران شدن ۲۰۰ درصدی قیمت آن آغاز شد؛ اما این اعتراضات به‌زودی از شکل اعتراضات اقتصادی خارج شد و محلات کارگری و فقیرنشین را فراگرفت و به شورش خشونت‌آمیز و آنتاگونیستی تبدیل شد. برخی از خیابان‌های شهرها به‌صورت منطقه جنگی درآمد و ساختمان‌های دولتی، خودروها، خودروهای پلیس، بانک‌ها و بعضی از مغازه‌ها به آتش کشیده شد. بسیاری دستگیر و محاکمه شدند و دولت توانست با استفاده گسترده از نیروهای نظامی و قدرت عریان اغتشاشات را فرونشاند. این تبعات عینی به دوره حسن روحانی محدود نماند. سطح مشارکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری به میزان قابل توجهی کاهش یافت. بر پایه نظر سنجی ایسپا حدود ۴۰ درصد مردم عنوان کردند که قطعاً در انتخابات شرکت نخواهند کرد و یا احتمال بسیار کمی دارد که شرکت کنند و حدود ۱۷ درصد دیگر هم هنوز برای شرکت در انتخابات مردود بوده‌اند (خبرگزاری دانشجویان ایران ۱۳۹۰/۳/۱۲). عملی نشدن خواسته‌های مردم در سال‌های پیش، دلسردی از وعده‌های انتخاباتی کاندیداها و ناامیدی از اصلاح و تغییر امور از جمله علت کاهش مشارکت عنوان شده است (شفیعی سیف‌آبادی، ۱۴۰۰: ۹۰-۱۰۰).

تشدید دوقطبی‌های اجتماعی - سیاسی خود به افزایش آنتاگونیسم و خشونت خواهد انجامید.

چنانچه در میانه سال ۱۴۰۱ شاهد بروز و ظهور اعتراضات خیابانی هستیم که گاهاً به خشونت و طرح شعارها و رفتارهای ساختارشکنانه کشیده شده است.

۲-۴. **تبعات ذهنی:** به نظر می‌رسد که تبعات ذهنی بحران ازجاکندگی دالی دوره اعتدال از

تبعات عینی آن فراتر می‌رود. این تبعات ذهنی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱-۲-۴. **کاهش اعتماد اجتماعی نسبت به ساختار سیاسی:** چشم‌اندازی که فرد برای خود

تصور می‌کند، تنها به مسائل اقتصادی محدود نیست و شخص ممکن است با توجه به تجربه‌هایی که داشته است، تصویری را برای آینده خود ترسیم کند. این تصویر از آینده‌ی خود در میان اقبال و وسیعی از جامعه در میانه‌ی دولت اعتدال مخدوش شد و فضای ناامیدی از آینده در اکثریت قریب به اتفاق معترضان به‌وضوح وجود داشت (نوروزپور، ۱۳۹۸: ۲۱۲)، وقتی دال‌های اصلی یک گفتمان یا وعده‌های انتخاباتی یک جریان خاص از مدلول‌های خود خالی شده و به‌نوعی بی‌معنا شده باشند، در واقع آن جریان و گفتمان مشروعیت خود را از دست داده است. با از دست رفتن مشروعیت در واقع هژمونی گفتمان از دست رفته است و با از دست رفتن مشروعیت و هژمونی گفتمانی در واقع اعتماد اجتماعی به آن جریان یا گفتمان از دست خواهد رفت. به دنبال کاهش اعتماد اجتماعی به اصلاح و بهبود امور آنگاه امید اجتماعی کاهش خواهد یافت و کاهش مشروعیت، هژمونی، اعتماد و امید اجتماعی به تبع به رادیکالیزه شدن جامعه خواهد انجامید. قرایی مقدم، در سال ۹۸ ناامیدی را از ریشه‌های اصلی رادیکال شدن جامعه دانست؛ وقتی که دولت مردم را امیدوار می‌کند که فضا تغییر خواهد کرد، اما پس از چند صبحی دوباره به خانه اول بازمی‌گردیم، در چنین فضایی به نظر می‌رسد کشور به شدت رادیکال و ملتهب شده است (قرایی مقدم، ۱۳۹۸/۱۰/۹).

۲-۲-۴. **به حاشیه رفتن گفتمان‌های میانه‌رو:** با به حاشیه رفتن گفتمان اعتدال یک احتمال

این است که هژمونی ذهنی و مشروعیت گفتمانی خود را نزد نیروها و بدنه اجتماعی که این سنخ گفتمان‌ها را حمایت می‌کرد از دست بدهد. وقتی از دال‌های یک گفتمان مدلول‌زدایی شود در واقع نه تنها مشروعیت و هژمونی گفتمان از دست می‌رود بلکه احتمال هژمون شدن مجدد آن حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت با اما و اگرهای جدی مواجه خواهد شد؛ بنابراین پایگاه اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی عظیم نیروهای اعتدال‌گرا و نیز اصلاح‌طلب را که از جریان اعتدال حمایت کرده بودند

دچار ریزش شدید شده است. نیروهای اجتماعی این جریان که شامل طیف عظیمی از طبقه‌ی متوسط اجتماعی بعلاوه حامیان گفتمان اصلاحات بود و در ابتدای دوره اعتدال به نفع اعتدال‌گرایی به صحنه آمده بودند سرخورده و ناکام منفعل شدند. این سرخوردگان یا به تعبیر عماد افروغ «طردشدگان» (افروغ، ۱۴۰۱/۷/۱۷) به لحاظ ذهنی دال‌های اصلاح و اعتدال را شکست‌خورده تعبیر خواهند کرد و چشم به دنبال تغییرات ساختاری‌تر خواهند داشت؛ و این خروج یا طرد از دامنه خودی‌ها از لحاظ احساسی به افزایش خشم، ناامیدی و بی‌اعتمادی گروهی خواهد انجامید. در مقابل، جریان‌ها و گفتمان‌هایی که دال‌های «عدم مذاکره»، «مقاومت»، «امنیت»، «مبارزه»، «خودتکایی» و «استقلال» و از سوی دیگر «براندازی»، «مبارزه»، «آزادی سبک زندگی» و حتی ستیز با دین و نمادهای دینی و حاکمیتی را نمایندگی می‌کردند، در صحنه‌ای که گفتمان‌های اصلاحی و اعتدالی توان مفصل‌بندی جدید را از دست داده و دچار ازجاکنندگی دالی بود، برجسته می‌شوند و هژمونی می‌یابند.

۳-۴. تبدیل مواجهه سیاسی ما/آن‌ها به مواجهه اخلاقی و ظهور آنتاگونیسم در داخل و در سطح بین‌المللی: نکته مهم‌تر و جدی‌تر این است که پیش از این نیروها و سرمایه عظیم اجتماعی جریان اصلاح طلب و اعتدال‌گرا، شکاف میان نیروهای راست‌گرای رادیکال با نیروهای چپ‌گرای رادیکال داخلی و نیز اپوزیسیون خارج از نظام را تلطیف می‌کرد و مانع از آنتاگونیسم ذهنی و عینی می‌شد. حتی برخی از جریان‌های برانداز گفتمان اصلاحات و رویکردهای میانه‌روانه را «سوپاپ اطمینان رژیم» نامیدند. پس از چندی حتی خود اصلاح‌طلبان و اعتدالیون هم ابایی از اینکه سوپاپ اطمینان نظام باشند نداشتند (نگاه کنید به: خاتمی، ۱۳۹۷، ایسنا). اما پس از، ازجاکنندگی دال‌های مرکزی جریان اعتدال‌گرا (که به صورت غیرمستقیم بر دال‌های اصلاحات نیز اثر می‌گذاشت؛ زیرا بسیاری از دال‌های آن عاریه‌ای از جریان اصلاحات بود)، این شکاف عمیق و گسترده شد. با حذف و بی‌اعتباری جریان‌های معتدل‌تر و عدم وجود نیروهای میانه‌روی فکری، ممکن است، به قول موفه، رابطه ما/آن‌ها بر بنیان‌های اخلاقی، زیباشناختی یا اقتصادی ترسیم شود و نه سیاسی (Muffe, 2000). 160. خطر همین جاست. آنگاه ممکن است آنتاگونیسم هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی، هم در داخل و هم در سیاست خارجی شدیدتر شود. در این حالت امکان گفتگو تعامل میان دو قطبی که

در دورترین فاصله فکری نسبت به یکدیگر قرار دارند، بدون نهادها و سازمان‌های میانجی، احتمال موفقیت اندکی خواهد داشت؛ زیرا جدال میان خیر و شر یا زشت و زیبا است. سیاست در این مقابله سهم اندکی خواهد داشت و میدان‌دار اخلاق، اقتصاد و زیبایی‌شناسی خواهد بود؛ لذا خشونت موجه و مشروع خواهد شد.

اگر گفتمان مسلط در پی آن باشد که با استفاده از زور عریان از بروز و ظهور اغتشاشات داخلی یا تنش‌های خارجی جلوگیری کند، خود جلوه عینیت یافته آنتاگونیسم خواهد بود؛ اما اگر بتواند برخی از دال‌های سرریز شده از گفتمان‌های پیشین — همچون تعامل سازنده، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و از این قبیل موارد — را که دچار ازجاکنندگی شده و در حوزه/میدان گفتمانی قرار دارند با مدل‌های خاص خود مفصل‌بندی کند، می‌تواند طی یک ترمیم گفتمانی پویا به گفتمانی پایدار تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال پاسخ به دو پرسش اصلی بودیم. نخست آنکه آیا می‌توان دولت اعتدال را برآمده از یک گفتمان دانست یا خیر؟ دوم آنکه پیامدهای عدم تثبیت گفتمانی رویکرد اعتدال‌گرا چیست؟

در پاسخ به پرسش اول مشاهده کردیم که در ابتدا حسن روحانی کوشید تا با محور قرار دادن دال اعتدال، وقته‌های پیرامونی همچون، میانه‌روی، مذاکره، دیپلماسی، دوری از خشونت‌ورزی، تدبیر، عقلانیت واقع‌گرایی را با هم مفصل‌بندی کرده و در غیریت با دال‌های آرمان‌گرایی، عدم مذاکره، مقاومت و مبارزه، استکبارستیزی و میدان از سویی و براندازی، دموکراسی غربی، عبور از اصلاحات از سوی دیگر، گفتمان جدیدی را در سپهر سیاسی جمهوری اسلامی پدید آورد. هر چند در ابتدای امر به مدد به ثمر رسیدن برجام به نظر می‌رسید که شاید این جریان بتواند در بلندمدت به گفتمان تبدیل شود، اما با تغییر شرایط عینی (پیروزی ترامپ، از دست رفتن برجام، افزایش تحریم‌ها، رشد فقر و فشار اقتصادی بر مردم و سرانجام شورش، اغتشاش و سرکوب شورش‌ها در داخل و افزایش تنش با همسایگان و آمریکا در خارج)، اعتماد و سرمایه اجتماعی خود را از دست داد و این مهم به سرانجام

نرسید. گفتمان‌ها و پادگفتمان‌های دیگری که در سپهر سیاسی حضور داشتند شروع به تشکیک در نشانگان معنایی گفتمان اعتدال کردند و آن را ناکارآمد معرفی کردند. این وقایع عینی موجب شد که دال‌های عقلانیت، واقع‌گرایی، دیپلماسی و میانه‌روی یک به یک دچار بحران و از جاکندگی شود و در نهایت جریان اعتدال نتواند تبدیل به گفتمان اعتدال شود.

با سقوط هژمونی رویکرد اعتدالی، هم در نظر و هم در عمل، مقابله‌ما/آن‌ها از شکل سیاسی به شکل اخلاقی و زیباشناختی تغییر شکل خواهد یافت و پیامد ناگزیر مواجهه خیر و شر یا زشت و زیبا آنتاگونیسم هم در بُعد عینی و هم در بُعد ذهنی است. در بُعد ذهنی امید و اعتماد اجتماعی بخشی از جامعه نسبت به کارآمدی و توان اصلاح امور کمرنگ شد و سرمایه اجتماعی حول آن به دو سر طیف با فاصلهٔ بعید نسبت به هم انتقال پیدا کرد. این امر به تشدید دوقطبی‌هایی که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود انجامید و در بروز آشوب‌های سال‌های ۹۸ تا ۱۴۰۱ بُعد عینی یافت.

کتابنامه

۱. بشیری، عباس. (۱۳۹۳) **گفتمان اعتدال: گذاری بر آراء و اندیشه‌های دکتر حسن روحانی**، تهران: تیسرا.
۲. حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۷) **روش‌شناسی در علوم سیاسی**، دانشگاه مفید.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۳) «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۷، شماره ۱، صص ۹۲-۱۲۰.
۴. رحیمی، علیرضا. (۱۳۹۸) «گفتمان اعتدال و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۹۶)»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ش ۸۳، صص ۳۳-۷۲.
۵. روحانی، حسن. (۱۳۹۶) **آذرگفت‌های روحانی: سخنان رئیس‌جمهوری دولت یازدهم در آذرماه سال‌های ۱۳۹۲-۹۵**، تهران: دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۶. سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴) **قدرت گفتمان و زبان سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**، نشر نی.

۷. شفيعی سيف آبادی، محسن. (۱۴۰۰) «رفتار انتخاباتی شهروندان بر پایه نظریه مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریونویسی شوارتز»، پژوهشنامه علوم سیاسی، تابستان، ش پیاپی ۶۳، صص ۱۰۸-۶۲.
۸. شیرعلی، ابراهیم. (بهار ۱۴۰۰) «وضعیت ایران در گزارش جهانی شادکامی (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰)»، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۸۵، صص ۳۳-۳۵.
۹. ظریف، محمدجواد. (۱۳۹۲) برنامه سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۰. قریشی، فردین و محمدباقر علیزاده اقدم. (پاییز و زمستان ۱۳۹۶) «تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۴۳-۱۸۰.
۱۱. قجری، حسینعلی و جواد نظری. (۱۳۹۲) کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۲. عظیمی دولت‌آبادی، امیر و پروین علی‌پور. (۱۳۹۸) «تحلیل جایگاه زنان در خرده گفتمان‌های انقلاب اسلامی»، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، صص ۴۱-۵۸.
۱۳. محمدزاده، توحید. (۱۴۰۱) «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت حسن روحانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۲۳، شماره ۱، پیاپی ۸۹، صص ۱۶۵-۱۹۰.
۱۴. مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰) «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲، صص ۱۲۴-۹۱.
۱۵. موفه، شانتال. (۱۳۹۱) درباره امر سیاسی، مترجم منصور انصاری، تهران: رخداد نو.
۱۶. موهبتی، یاسر. (پاییز ۱۳۹۷) «بررسی تحریم‌های اقتصادی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ویژه چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، صص ۴۶-۶۳.
۱۷. نوروزپور، مرتضی. (پاییز ۱۳۹۸) «تحلیل اعتراض‌های سیاسی دی‌ماه ۱۳۹۶»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم، صص ۱۸۵-۲۲۰.

۱۸. نوروزی‌نژاد، جعفر و علی تشنه دل. (۱۳۹۴)، «تبارشناسی هویت گفتمان اعتدال در زیست جهان فرهنگی ایران معاصر»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۰، صص ۴۳ تا ۶۰.
 ۱۹. یورگنسن و فیلیپس. (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، مترجم هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

20. Laclau, Ernesto and Mouffe, Chantal. (2001) *Hegemony and Socialist Strategy, Towards a Radical Democratic Politics*, 2nd edition (London, Verso).

21. Muffe Chantal. (2000). *Deliberative Democracy or agonistic pluralism*, institute for Hoherstudien (his), Wien institute for advanced studies, Vienna.

منابع اینترنتی

۲۲. افروغ، عماد، ۱۴۰۱/۷/۱۷، تحلیل اجتماعی اعتراض‌های اخیر، روزنامه شرق، قابل دسترس در لینک:
<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-857927>

۲۳. تاجیک، محمدرضا. ۱۳۹۳/۴/۱۷، اعتدال گفتمان نیست، قابل دسترس در لینک:
<https://fararu.com/fa/news/197606/>

۲۴. خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۴۰۰/۳/۱۲، میزان تمایل مردم به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بر اساس آخرین نظرسنجی، قابل دسترس در لینک:

<https://www.isna.ir/news/1400031209257/>

۲۵. ربیعی، علی. ۱۳۹۲/۸/۶، افتتاحیه همایش تبیین مفهوم اعتدال، سایت بصیرت، شناسه خبر ۲۶۱۷۲۸. قابل دسترس در لینک:
<https://basirat.ir/fa/news/261728>

۲۶. سایت خبری و تحلیلی الف، ۱۳۹۶/۱۱/۱۴، ایرانی‌ها رتبه اول خشمگینی دنیا را دارند، کد خبر، ۳۹۶۱۱۱۴۰۴۵، قابل دسترس در لینک:

<https://www.alef.ir/news/3961114045.html>

۲۷. سلیمی، حسین، ۱۳۹۲/۸/۶، افتتاحیه همایش تبیین مفهوم اعتدال، سایت بصیرت، شناسه

- خبر ۲۶۱۷۲۸، قابل دسترس در لینک: [/https://basirat.ir/fa/news/261728](https://basirat.ir/fa/news/261728)
۲۸. ظریف، محمدجواد، ۱۳۹۵/۵/۱۱، سخنرانی در بیست و دومین نشست اتاق بازرگانی، بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه، قابل دسترس در لینک: www.mfa.ir.gov
۲۹. علیجانی، محمد، مروری بر دولت اول حسن روحانی، ایسنا، ۱۳۹۹/۸/۲۷، کد خبر [/https://www.isna.ir/news/99072719579](https://www.isna.ir/news/99072719579)، قابل دسترس در لینک:
۳۰. کاشی، غلامرضا، ۱۳۹۲/۸/۶، افتتاحیه همایش تبیین مفهوم اعتدال، سایت بصیرت، شناسه خبر ۲۶۱۷۲۸، قابل دسترس در لینک: [/https://basirat.ir/fa/news/261728](https://basirat.ir/fa/news/261728)
۳۱. قرایی مقدم، ۱۳۹۸/۱۰/۹، خرده‌فرمایش‌های برخی درباره‌ی وعده‌های دولت منطقی نیست، قابل دسترس در لینک: [/https://www.kebnaanews.ir/news/416074](https://www.kebnaanews.ir/news/416074)

